

گزارش چهارمین نشست علمی روش‌شناسی

نشست علمی یاد شده در ساعت ۱۰:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۴/۶/۲۳ در محل دانشگاه عالی دفاع ملی با تلاوت آیاتی از قرآن مجید آغاز گردید. سپس مسئول دفتر کرسی‌ها نظریه‌پردازی ضمن خیر مقدم به حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر خسروپناه و پذیرش دعوت دانشگاه به رغم مشغله کاری فراوان، به تبیین موضوع جلسه پرداخته، و اظهار نمودند: در جلسه حاضر مدیران پژوهشی و اساتید روشی در حوزه نظام حکومتی الگو حضور دارند دانشگاه عالی دفاع ملی تاکنون جلسات متعددی در خصوص روش‌شناسی از جمله تحلیل محتوا، تحلیل گفتمان، تحلیل تفسیری و نظریه داده‌بنیاد برگزار نموده با توجه به روش اجتهادی - حکمی که جنابعالی مطرح نموده‌اید. دانشگاه علاقمند است نحوه استفاده از روش‌شناسی در مطالعات دینی - راهبردی بهره‌برداري نماید.

سپس با طرح یک سوال که، آیا روش اجتهادی - حکمی می‌تواند در حوزه نظریه‌پردازی راهبردی ورود نماید؟ از حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر خسروپناه تقاضا کردند مطالب خود را ارائه فرمایند.

در ادامه دبیر هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی کشور موارد زیر را ایراد نمودند:

موضوع بحث «کاربست روش حکمی - اجتهادی در علوم اجتماعی»

در این جلسه به تبیین روش حکمی اجتهادی در حوزه علوم اجتماعی می‌پردازیم. وقتی بحث تحول در علوم انسانی و علوم اجتماعی مطرح شد، مطالعات بنده به این نتیجه رسید که اول باید تحولی در فلسفه اسلامی صورت بگیرد. به همین خاطر نگاهشده‌ای تهیه شد به اسم فلسفه اسلامی، این اولین قدمی بود که در تحول علوم انسانی برداشته شد. بعد از این وارد بحث دیگری شدیم به نام فلسفه علوم انسانی، حالا که نگاه ما به فلسفه تغییر پیدا کرد طبیعتاً تاکید ما بر فلسفه‌های مضاف و تلقی ما از فلسفه بیشتر شد.

بعد وارد این مقوله شدیم که علوم انسانی اسلامی چیست؟ ما چه تعریف و تلقی از علوم انسانی اسلامی باید داشته باشیم. چون بزرگانی در این زمینه سالها زحمت کشیده بوده‌اند. ابتدا باید ببینیم دیگران چه گفته‌اند و دقیق هم بفهمیم چه گفته‌اند. چستی روش‌شناسی عبارت است از:

روش: چگونگی کاربست قواعد معرفت‌شناختی و منطقی جهت کسب معرفت صادق موجه است.

روش‌شناسی پس از معرفت‌شناسی و منطق بکار می‌رود.

روش به دو ساحت گردآوری اطلاعات و داوری تقسیم می‌شود.

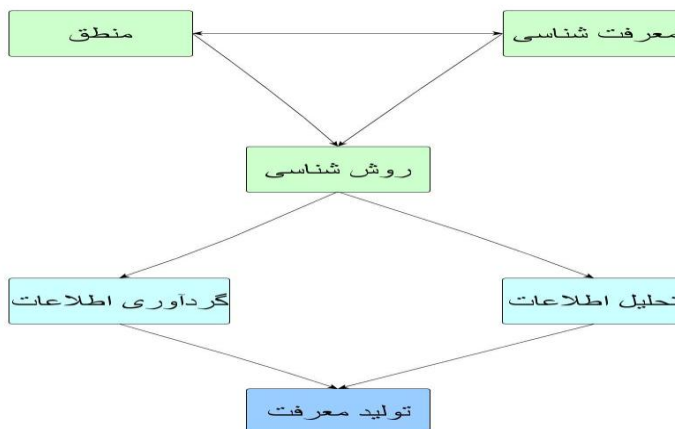
روش کتابخانه‌ایی و میدانی، دو روش شایع در مقام گردآوری اطلاعات است.

روش‌های تبیینی و تفسیری و انتقادی، سه نوع رویکرد متعارف در مقام داوری هستند

همان‌طور که در نمودار زیر مشاهده می‌شود روش حکمی - اجتهادی از سنخ روش داوری با بهره‌گیری از رویکرد تبیینی -

تفسیری - انتقادی مبتنی بر حکمت اسلامی است.

ساختار ارتباط معرفت شناسی و منطق و روش شناسی



روش حکمی - اجتهادی و علوم رفتاری و اجتماعی

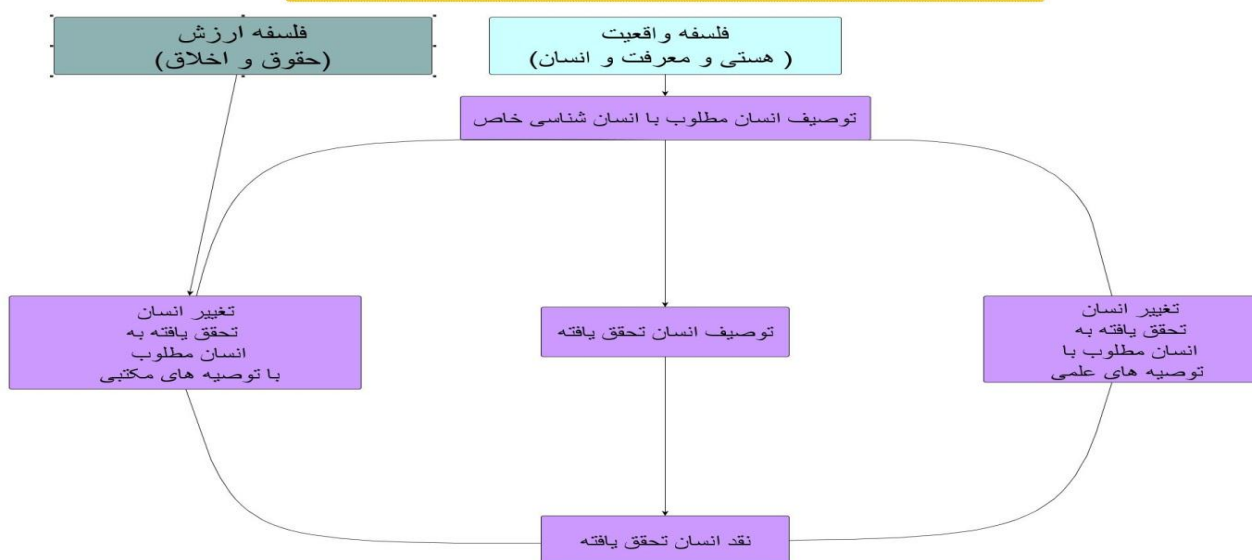
روش حکمی - اجتهادی بر مبنای چپستی علوم رفتاری و اجتماعی تبیین می گردد.

علوم رفتاری و اجتماعی، مشتمل بر سه فعالیت توصیف انسان مطلوب و توصیف انسان تحقق یافته و نقد و تغییر انسان تحقق یافته به انسان مطلوب است.

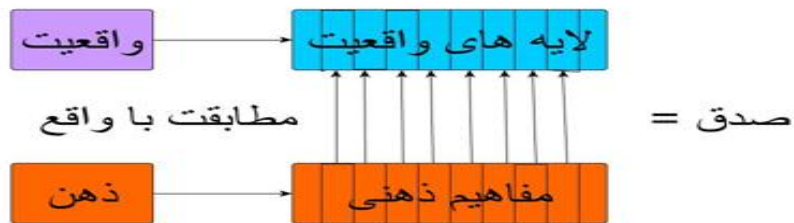
هر سه ساحت پیش گفته در علوم انسانی اسلامی، مبتنی بر حکمت اسلامی به ویژه هستی شناسی و معرفت شناسی و انسان شناسی و دین شناسی و همچنین مبتنی بر فلسفه ارزش (خلق و حق) است.

مطابق نمودار زیر روش حکمی - اجتهادی با استفاده از روش برهانی و تجربی و اجتهادی به مسایل این سه ساحت پاسخ می دهد.

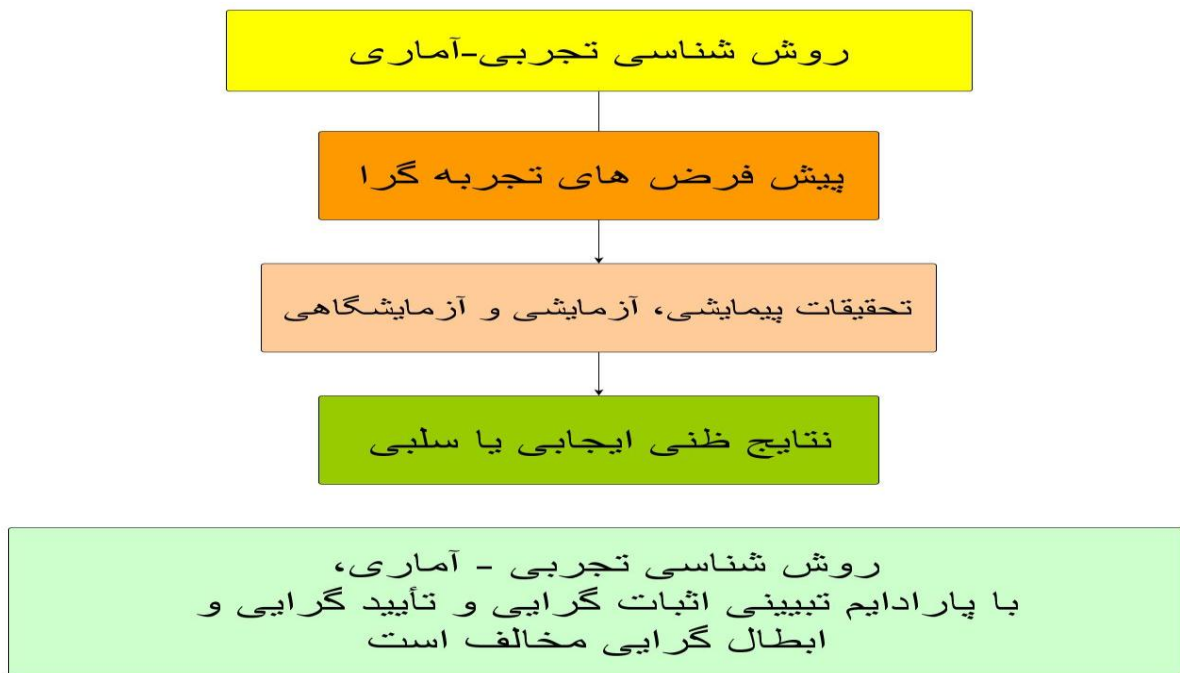
ساختار علوم انسانی رفتاری - اجتماعی



نمودار نظریه صدق



همانطور که نمودار زیر ارائه شده، روش تجربی عبارت است از: روش استقرایی - قیاسی یا استقرایی - آماری



مطابق نمودار زیر روش برهانی عبارت است از: ابتدای گزاره های نظری به بدیهی در قالب شکل اقترانی و استثنایی



چه گفتیم تا الان، عرض بنده این بود: ۱- بحث ما علوم اجتماعی است نه علوم انسانی ۲- یک تلقی خاص از علوم اجتماعی داشتیم و سه کارکرد داشت ۳- دومی برای مهم معرفت شناختی: یکی صدق و مطابقت با واقع می‌دانیم اما من تعبیر می‌کنم مطابقت پنجره‌ای، مثل اینکه شما از این پنجره یک ساحتی را از بیرون می‌بینید و از پنجره‌ای دیگر یک ساحت دیگر از بیرون را می‌بینید.

صدق پنجره (مطابقت پنجره‌ای) سپس آمدیم سراغ معیار (بدهات منسجم و کارآمد) ما اسم این دو بحث صدق (چیستی صدق که مطابقت پنجره‌ای بود و معیار صدق که بدهات نظام‌مند و کارآمد بود) را گذاشتیم رئالیسم شبکه‌ای.

روش حکمی یعنی روش برهانی، در این برهان قیاس است، تجربه هست.

روش اجتهادی، اعم از اجتهاد مصطلح در فقه رایج است، اجتهاد سه قسم دارد: اجتهاد قسم اول، اجتهاد قسم دوم و اجتهاد قسم سوم و آنچه در حوزه‌ها رایج است اجتهاد نوع اول است که عبارتند از:

۱- کشف کلیات متون دینی و انطباق بر مسایل جزئی

۲- عرضه پرسش‌های برگرفته از جامعه و مکاتب جدید بر متون دینی جهت کشف پاسخ دینی آنها

۳- عرضه پرسش‌های برگرفته از متون اسلامی و منظومه معرفتی اسلام بر جامعه تحقق یافته، جهت کشف پاسخ‌های عینی است.

من معتقدم دانشگاهی‌های ما که علاقمند هستند می‌توانند در اسلامی‌سازی علوم اجتماعی نقش داشته باشند ولو مجتهد نباشند. یعنی به عبارت دیگر برای اسلامی‌سازی علوم انسانی، یک مجتهد هم دانش خودش را دارد و دانشگاهی هم که می‌تواند عالم علوم انسانی دانش خود را دارد ولو اگر مجتهد هم نباشد، یعنی حتی مجتهدی هم که در این علوم تخصص ندارد اما آشنایی دارد یک نقشی دارد، عالمی هم که در این علوم تخصص دارد ولی مجتهد نیست او هم نقش دارد.

اجتهاد قسم اول همانی است که در حوزه‌ها رایج است که، کلیات را از متون دینی با روش اصول فقهی استخراج بکند و انطباق بدهد به مسائل جزئی.

اجتهاد قسم دوم این است که از این دنیای مدرن که جامعه مدرن ساخته، ایدئولوژی‌های مدرن ساخته، دانشمندان علوم انسانی از این پرسش‌های جدید در بیاوریم که به هر حال هم پرسش‌هایی دارند و هم پاسخ‌هایی. در اجتهاد قسم اول نقش مجتهدان پررنگ است ولی در اجتهاد قسم دوم هر دو گروه نقش پررنگی ایفا می‌کنند.

در اجتهاد قسم سوم ما از متون دینی، از ایدئولوژی اسلامی، از منظومه فکری اسلامی سؤال‌هایی را استخراج و به جامعه عرضه کنیم و جامعه را مورد سؤال قرار دهیم. یعنی نظام معرفتی، منظومه معرفتی اسلام را گرفته و از آن سؤالاتی را استخراج می‌کنیم و همان جامعه آماری را مورد سؤال مجدد و مکرر قرار می‌دهیم. اینجا نقش مجتهد حوزوی کم‌رنگ و نقش عالم دانشگاهی پررنگ است.

روش حکمی - اجتهادی، ترکیبی منظم از روش های برهانی و تجربی و نقلی است که با بهره گیری از بدیهیات عقلی و قیاس (اقترانی و استثنایی) و آمار (حساب احتمالات) و اجتهاد (تطبیق کلیات دینی بر مصادیق، کشف نیازهای معاصر از مدل‌های التزامی متون دینی، عرضه نیازهای مطلوب دینی بر انسان تحقق یافته) بدست می آید. این روش علاوه بر توانایی در توصیف پیشرفت تحقق یافته ایرانی - غربی، توان توصیف پیشرفت مطلوب ایرانی - اسلامی و چگونگی تغییر از پیشرفت ایرانی - غربی به پیشرفت مطلوب ایرانی - اسلامی را دارد. در نمودار زیر چیستی روش حکمی - اجتهادی به تصویر کشیده شده است.



اگر اسلامی سازی علوم انسانی را در جامعه منظومه ای ببینیم، دچار نگرش جزیره ای می شویم و شاید علت عدم رسیدن به یک اجماع هدفمند در مدلسازی تحول در علوم انسانی آن است که تمام کسانی که در حوزه تحول علوم انسانی کار می کنند جزیره ای عمل و نگاه می کنند و از نگرش منظومه ای خود را دور می کنند. وقتی منظومه ای دیدیم معلوم می شود وظیفه حوزه کجاست، وظیفه دانشگاه کجاست و کجا باید با هم مرتبط شوند و روش حکمی اجتهادی دقیقاً در همین راستا است. بحث و تبادل نظر:

سپس تعدادی از اساتید به بیان دیدگاه ها و طرح سوال های خود پرداختند.

جمع بندی:

از مجموع مسائل مطرح شده چنین استنباط گردید که روش شناسی ارائه، نیازمند تشریح بیشتری بوده تا با قابلیت های دینی - راهبردی دانشگاه تطبیق بیشتری یابد لذا اساتید حاضر در جلسه به منظور نزدیک شدن دیدگاه ها و بهره مندی از روش شناسی اجتهادی - حکمی خواستار تداوم نشست علمی موصوف گردیدند.

بنا بر پیشنهاد دفتر کرسی‌ها با عنایت به ضرورت مطالعه اساتید محترم راهنمای دوم با رویکرد حکمی - اجتهادی کتاب روش شناسی علوم اجتماعی نوشته دکتر خسروپناه توسط اساتید راهنما مطالعه و سپس جلسه‌ای دیگر در آبان‌ماه برگزار شود. با توجه به اینکه روش اجتهاد مقاصد و اجتهاد فرامسئله توسط دفتر کرسی‌ها در تمدن نوین اسلامی بعنوان روش انتخاب و دنبال می‌شود پیشنهاد شد در یک جلسه دیگر به این موضوع پرداخته شود که ایشان بسیار خوشحال شده و گفتند در نظر داشتند این موضوع را در مباحث دفاعی - امنیتی بعنوان یک نظریه کار کنند که مقرر شد در یک جلسه دیگر روش شناسی طرح موضوع شود.